

مقایسه ویژگیهای شخصیتی نوجوانان عادی و بزهدار ۱۸ - ۱۲ ساله شهرستان اهواز

علی خانه‌کشی^۱

فرحناز عزیزی طاس احمدی^۲

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان مقایسه ویژگیهای شخصیتی نوجوانان عادی و بزهدار شهرستان اهواز انجام شده است. هدف از اجرای این تحقیق پاسخ به این سؤال بوده که آیا بین نوجوانان عادی و بزهدار از لحاظ ویژگیهای شخصیتی از قبیل هیجان‌پذیری، گوشه‌گیری، وسواس، افسردگی، افکار پارانوئید، پرخاشگری، بی‌قراری و تمایلات ضداجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

حجم نمونه پژوهش ۱۵۰ نوجوان مشتمل بر (۷۵ نوجوان عادی و ۷۵ نوجوان بزهدار) بود که گروه بزهدار بصورت تصادفی از مرکز اصلاح و تربیت شهرستان اهواز و افراد عادی نیز به صورت گروه‌های در دسترس با در نظر گرفتن دامنه سنی مورد نظر از سطح شهر انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ویژگیهای شخصیتی و دورت (۱۹۲۰) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشهای آماری میانگین، واریانس، آزمون t گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس یک عاملی با طرح اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. نتایج آزمون t نشان داد که بین نوجوانان عادی و بزهدار از لحاظ ویژگیهای شخصیتی هشتگانه مذکور اختلاف معنی‌داری وجود دارد. بنابراین تمام فرضیه‌ها به صورت مورد نظر تأیید شدند. همچنین تحلیل واریانس یک عاملی با طرح اندازه‌گیری مکرر (مانووا) نشان داد که بین متغیرهای آزمایشی هشتگانه در هر دو گروه (عادی و بزهدار) اختلاف آماری معنی‌داری وجود دارد. ($p < 0.001$).

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان

^۲ کارشناس راهنمایی و مشاوره

کلید واژه‌ها

بزهکاری، ویژگیهای شخصیتی، نوجوانان

مقدمه

یکی از مسائل پیچیده و ناراحت‌کننده فعلی که توجه بسیاری از محققین، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، روانشناسان و متخصصان امر را به خود معطوف داشته، موضوع مجرمین کم سن و سال یا نوجوانان بزهکار می‌باشد که روز به روز هم گسترش بیشتری می‌یابد.

در این مورد که چرا جرائم افراد کم سن و سال در حال ازدیاد است، فرضیه‌های مختلفی ارائه شده است، عده‌ای ازدیاد جرائم در سطح جهانی را از اختصاصات جوامع متمدن دانسته و معتقدند که بشر به همان سرعتی که به سوی ترقی و تکامل صنعتی و مادی پیش می‌رود از معنویت دور شده و در نتیجه به تبهکاری و قانون شکنی روی می‌آورد. عده‌ای نیز ازدیاد جرائم را محصول سستی اعتقادات دینی و مذهبی دانسته و معتقدند، که علم، ایمان و عمل صالح موجبات رشد انسان را فراهم می‌آورد و آفاتی نظیر خودپرستی، حب دنیا یا دنیازدگی، غفلت، تکبر و خود برتر بینی، تقلید و شخصیت، کتمان حق، هوی و هوسهای بیرونی، قساوت قلب، از خود بیگانگی، ستیزه‌جویی سبب می‌شوند تا انسان از رشد و کمال بازمانده و در نتیجه به طرف تبهکاری سوق داده شود (نصری، ۱۳۶۱).

بر اساس مطالعاتی که در یکی از زندانهای فرانسه بعمل آمده، یک سوم زندانیان سابقه‌دار محکوم به اعمال شاقه، جنایات اولیه خود را قبل از رسیدن به سن هیجده سالگی شروع نموده و حتی یکی از آنها اولین جرم خود را در سن ۹ سالگی انجام داده بود. از آن گذشته کیفیت جرائم ارتكابی نیز باعث نگرانی و

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

ناراحتی فراوان گردیده و جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان علیه اموال روز به روز زیادتر می‌شود. به همین ترتیب جرائم علیه افراد، جرائم جنسی، همجنس بازی، و فحشاء نیز رو به گسترش است. (شامبیانی، ۱۳۷۳)

اخیراً نیز سرقت اتومبیل، موتورسیکلت و سرقت از فروشگاه‌ها و خیابان و حتی سرقت‌های مسلحانه و بانک زنی نیز بر جرائم سابق افزوده گردیده است. قرن حاضر، قرن اضطراب و سرعت است و اطفال و نوجوانان عجله دارند تا هر چه سریعتر خود را به مقصد خیالی و مورد نظر برسانند، هر چند که در این راه قواعد و مقررات و قوانین در هم شکسته می‌شوند. در چنین موقعیت ناراحت‌کننده‌ای است که اغلب کشورهای جهان درصدد چاره‌جویی برآمده و سعی نموده‌اند که علت ارتكاب جرائم اطفال و نوجوانان را دریافته، متناسب با آن به تغییرات اساسی در قوانین خود بپردازند. در قوانین جدید اطفال و نوجوانان بزهکار، موضوع تمیز خوب از بد، اعمال مجازات‌های عقوبتی و پاداشی به کنار گذاشته شده، چرا که با مجازات و تنبیه دیگر نمی‌توان از بزهکاری و تکرار جرم آنان پیشگیری کرد و چون هدف تعلیم و تربیت، اصلاح اطفال و نوجوانان بزهکار است لذا قانونگذاران اکثر کشورها اولاً برای اطفال دادگاه‌های خاصی به نام دادگاه اطفال بزهکار پیش‌بینی نموده که صلاحیت رسیدگی به جرائم نوجوانان زیر سن ۱۸ سال را دارد. ثانیاً هدف تصمیمات دادگاه، تعلیم و تربیت، اصلاح درمان و بازسازی اطفال بزهکار است. ثالثاً محل نگهداری اطفال بزهکار نیز مکان جداگانه‌ای است که کانون اصلاح و تربیت خوانده می‌شود.

روشهای اتخاذی در این کانون، همگی جنبه اصلاح و تربیت را دارد. باید اذعان نمود که لزوم تشخیص شخصیت و ویژگیهای روانی و اخلاقی نوجوان به منظور اتخاذ روشهای اصلاحی، تربیتی و درمانی مهمترین انگیزه تشکیل دادگاه اطفال بزهکار بوده است. قاضی متخصص اطفال موظف است، با تشکیل پرونده‌های شناسایی شخصیت با همکاری متخصصین از جمله مددکار اجتماعی،

روان‌پزشک و روانشناس، انگیزه، غریزه و علل جرم ارتكابی را بررسی و سپس روشهای اصلاحی، تربیتی و یا درمانی را توصیه نماید. (شامبیاتی، ۱۳۷۳)

پژوهش حاضر با درک چنین ضرورتی طرح و اجرا شده است، با این امید که بتواند خصوصیات روانی و شخصیتی نوجوانان بزهکار مرکز اصلاح و تربیت شهرستان اهواز را شناخته و با ارائه نتایج حاصله بتواند به عنوان یک راهنما برای مربیانی که در زمینه‌های تربیتی و بهداشت و سلامت روان کار می‌کنند، منبع مفید و سودمندی باشد، تا به کمک آموزشهای لازم نظری و عملی که می‌بینند، بتوانند علاوه بر شناخت علل و عوامل به وجود آورنده مشکلات و ناهنجاریهای رفتاری کودکان و نوجوانان، آنان را در زمینه حل مشکلات و به طور کلی سازگاری بهتر با خود و یا محیط یاری دهند.

حسین‌آبادی (۱۳۷۷) پژوهشی تحت عنوان ویژگیهای شخصیتی نوجوانان بزهکار و عادی غرب تهران انجام داده است. دامنه سنی آزمودنیها ۱۴ - ۱۲ سال بود. حجم نمونه ۶۰ نفر بوده که بصورت تصادفی خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شدند و بر اساس پرسشنامه خصوصیات اخلاقی و دورث مورد سنجش قرا گرفتند. نتایج نشان داد که بین حالت‌های گوشه‌گیری و افسردگی در نوجوانان عادی و بزهکار تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی بین حالات هیجان‌پذیری، پرخاشگری، بی‌قراری، افکار پارانوئیدی، تمایلات ضداجتماعی دو گروه تفاوت معنی‌داری ملاحظه نشد.

پژوهش (به نقل از احدی و محسنی ۱۳۷۲) در زمینه ارتباط اختلالات شخصیتی با بزهکاری دانش‌آموزان ۲۰ - ۱۳ ساله کشور نشان داده است که:

الف: ۲۶/۷ درصد دانش‌آموزان بزهکار اختلال هیجانی در حد زیاد و بسیار زیاد داشته‌اند. در صورتیکه این درصد برای گروه مقایسه ۲/۶ درصد بوده است. به

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

همین تربیت اختلال مورد بحث در ۳/۳۵ درصد دانش‌آموزان بزهکار متوسط بوده، در صورتیکه این درصد برای گروه مقایسه ۱۵ درصد بوده است.

ب: در زمینه گوشه‌گیری یا کناره‌گیری بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، ۵۱/۳۳ درصد از دانش‌آموزان بزهکار این اختلال را در حد متوسط و زیاد داشته‌اند، در صورتیکه این درصد برای گروه مقایسه ۱۵ درصد بوده است.

ج: در زمینه تمایلات ضداجتماعی، بر اساس اطلاعات موجود ۸/۳۹ درصد از دانش‌آموزان بزهکار، این اختلال را در حد متوسط، ۳/۲۷ درصد در حد زیاد و ۹/۴ درصد در حد بسیار زیاد داشته‌اند. نتیجه این بود که چون آزمون آماری محاسبه شده معنی‌دار بودن تفاوت این درصدها را برای دو گروه تأیید می‌کند، بنابراین می‌توان گفت که دانش‌آموز بزهکار در مقایسه با دانش‌آموزان عادی، دارای اختلالات شخصیتی فوق هستند. (احدی و محسنی، ۱۳۷۲).

فارینگتون (۱۹۷۳) طی تحقیقی به مقایسه خصوصیات شخصیتی نوجوانان بزهکار و غیربزهکار پرداخت و به این نتیجه رسید که نوجوانان بزهکار از لحاظ اجتماعی پرجرئت‌تر، حسودتر، و نسبت به مراجع قدرت بی‌اعتناتر هستند، انگیزه پیشرفت در آنها کمتر است، خشمگینتر، بدگمانتر، تکانشی‌تر و در ضمن از تسلط کمتری برخوردارند که در این میان احساسات روان رنجور، احساس بی‌کفایتی و نیاز به ابراز وجود ماهیتاً مخرب‌تر هستند (طهماسبی، ۱۳۷۹).

گلوک و گلوک^۱ (۱۹۹۰) طی پژوهشی ۵۰۰ پسر بچه را که در موسسات تادیبی به سر می‌بردند با ۵۰۰ پسر بچه طبیعی (۱۵-۱۴ ساله) از لحاظ چهار معیار:

- ۱- معیار اجتماعی فرهنگی ۲- معیار جسمانی، ۳- معیار عقلی ۴- معیار انفعالی و مزاجی مورد مقایسه قرار دادند.

^۱ Glueck & Glueck

تجزیه و تحلیل برخی شواهد تفاوتی میان دو گروه نشان نداد، اما مدارک دیگر حاکی از تفاوت‌های بسیاری بود. بدین صورت که نوجوانان مجرم به صورت گروه معینی از نوجوانان غیرمجرم متمایز می‌شوند یعنی:

- ۱- از لحاظ بدنی از نوع مزومورفی هستند، یعنی هیکل عضلانی و سخت دارند.
- ۲- از احاط مزاج فعال و پرجوش و خروش و از خود بی خود یا بی‌قرار و درون‌گرا و ستیزه‌جو و مخرب‌اند.
- ۳- از لحاظ وضع رفتار نامهربان، بدگمان، انتقام‌جو، ظنین، سرسخت و حادثه‌جو هستند و از جامعه طلبکارند و از قراردادهای و قدرت قانونی سرپیچی می‌کنند.
- ۴- از لحاظ روانی، هر چه در دل دارند بی‌پروا و بی‌پرده می‌گویند، یعنی بیانشان رمزی و تعلق نیست و کمتر به صورت منظم در مسائل تعمق و تفکر می‌کنند.
- ۵- از لحاظ اجتماعی و فرهنگی اغلب بیش از گروه ناظر در خانواده‌هایی تربیت شده‌اند که فاقد تفاهم و محبت و ثبات احساسات اخلاقی بوده است.

گزارش اداره بهداشت مدارس (۱۳۶۲) از دانش‌آموزانی که اختلالات عاطفی داشته‌اند حاکی از این است که بزهاکاری‌ها رقم بیشتری را به خود اختصاص داده است. بیش از دانش‌آموزان مراجعه‌کننده اختلالاتی از قبیل بی‌قراری و اضطراب (۶۲۱۸ نفر)، ولگردی (۲۶۲۱ نفر)، پرخاشجویی و حالت‌های تهاجمی (۵۲۱۸ نفر)، فرار از مدرسه (۴۷۸ نفر)، دزدی (۳۰۲ نفر) و افسردگی (۸۲۲۲ نفر) داشتند. (احمدی، ۱۳۷۵)

تحقیق بر روی تعدادی از جوانان عادی و بزهاکار نشان داد که بزهاکاران از روابط خانوادگی کمتر اظهار رضایت می‌کنند، در حالیکه برادرانشان، همان خانواده را بسیار پربار و رضایتبخش می‌دانند. گروه اول بیشتر احساس گناه، محرومیت، ناامنی و حسادت می‌کردند و از احساس طرد شدگی و بی‌مهری والدین نسبت به خود شدیداً رنج می‌بردند.

نتایج نشان داد که احساس ناکامی، حقارت و شکست این گونه نوجوانان، رابطه مستقیمی با رفتارهای بزهکارانه آنها دارد. (به نقل از نوابی‌نژاد، ۱۳۸۰)

بلرو جونز (۱۹۸۰) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بزهکاری یک رفتار آموخته شده است. فرد بزهکار از مهر و محبت محروم بوده و جای امنی در این جهان ندارد، در اجتماع نیز دارای ارزش و مقام نیست و احساس ارزشمندی نمی‌کند. پسر بچه‌ای که در مدرسه موفقیت کمی دارد و در تردید به سر می‌برد، در خارج از مدرسه هم برایش امکان کار کردن وجود ندارد و در خانه هم کار مهمی از وی ساخته نیست، برایش تنها یک راه باقی می‌ماند و آن روی آوردن به ولگردی و شرکت در گروه‌های نامطلوب و احتمالاً دست زدن به جنایت است این رفتار بزهکارانه به جوان نوعی احساس ارزش و اهمیت می‌دهد و آن را برای گروهش قابل قبول‌تر می‌کند. (احمدی، ۱۳۷۷)

با توجه به موضوع پژوهش و زمینه نظری و بازنگری پیشینه آن، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تعیین گردیدند:

(۱) بین نوجوانان عادی و بزهکار از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

- بین نوجوانان عادی و بزهکار از لحاظ میزان هیجان‌پذیری تفاوت وجود دارد.
- بین نوجوانان عادی و بزهکار از لحاظ میزان گوشه‌گیری تفاوت وجود دارد.
- بین نوجوانان عادی و بزهکار از لحاظ میزان وسواس تفاوت وجود دارد.
- بین نوجوانان عادی و بزهکار از لحاظ میزان افکار پارانوئیدی تفاوت وجود دارد.

- بین نوجوانان عادی و بزهکار از میان میزان افسردگی تفاوت وجود دارد.
- بین نوجوانان عادی و بزهکار از لحاظ میزان پرخاشگری تفاوت وجود دارد.
- بین نوجوانان عادی و بزهکار از لحاظ میزان بی‌قراری تفاوت وجود دارد.

- بین نوجوانان عادی و بزهکار از لحاظ میزان تمایلات ضداجتماعی تفاوت وجود دارد.

- جمعیت مورد نظر در پژوهش حاضر کلیه نوجوانان عادی و بزهکار (۱۸ - ۱۲ ساله) شهرستان اهواز می‌باشد. حجم نمونه پژوهش ۱۵۰ نوجوان عادی و بزهکار (۷۵ نفر عادی و ۷۵ نفر بزهکار) بودند، که به ترتیب به شیوه‌های نمونه‌گیری تصادفی ساده و گروه‌های در دسترس انتخاب شدند. روند کار در جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر به شرح زیر بوده است.
- اخذ مجوز از کانون اصلاح و تربیت شهرستان اهواز.
- انتخاب نمونه‌ها از میان نوجوانان بزهکار موجود در کانون بطور تصادفی.
- اجرای پرسش‌نامه‌ها بر روی نمونه‌های بزهکار توسط مددکاران اجتماعی مرکز اصلاح و تربیت.
- انتخاب نمونه‌های بهنجار از میان نوجوانان (۱۸-۱۲) ساله مناطق مختلف شهرستان اهواز به طور اتفاقی و اجرای پرسشنامه بر روی آنها.
- به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق از پرسشنامه خصوصیات روانی و ودورث (۱۹۲۰) شامل ۷۵ سؤال استفاده شده است. این پرسشنامه در جنگ جهانی اول به منظور تشخیص افراد مبتلا به اختلالات و پرسشهایی که روان‌پزشکان در مصاحبه‌های تشخیصی از بیماران خود می‌پرسیدند انتخاب شده است. فرم اولیه این آزمون ۱۱۶ ماده بود که بعد از هنجاریابی به ۷۵ سؤال تقلیل یافت. پرسشنامه مذکور ۸ ویژگی روانی از قبیل هیجان‌پذیری (۱۴ سؤال)، گوشه‌گیری (۱۵ ماده)، وسواس (۱۲ ماده)، افکار پارانوئیدی (۱۸ ماده)، افسردگی (۱۴ ماده)، پرخاشگری (۱۰ ماده)، بیقراری (۷ سؤال) و تمایلات ضداجتماعی (۶ سؤال) را می‌سنجد.

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

در ایران این آزمون مورد بررسی قرار گرفت و اعتبار و روایی آن بررسی و هنجاریابی شده است. نتایج حاصل از این آزمون توسط ایروانمنش، محمدتقی با آزمونهایی چون بک، آزمون وضعیت خشم، 90 SCL، آزمونهایی که آشفتگی هیجانی را نشان می‌دهند و ام.ام.پی.آی. MMPI¹ مورد بررسی قرار گرفته و همبستگی قابل ملاحظه‌ای را نشان داده است. نحوه پاسخ‌دهی به سؤالات بدین صورت است که به سؤالاتی که آزمودنی پاسخ بله داده یک نمره تعلق گرفته و به سؤالاتی که بدون پاسخ گذاشته و یا پاسخ منفی داده، نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد (ابوالقاسمی و نریمانی ۱۳۸۵).

یافته‌ها

در ابتدا به درج یافته‌های توصیفی می‌پردازیم، سپس یافته‌های استنباطی پژوهش ارائه می‌شود. نتایج یافته‌های توصیفی در جدول ۱ و نتایج یافته‌های استنباطی در جداول ۲ تا ۶ ارائه شده‌اند.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به متغیرهای هشتگانه را در دو گروه عادی و بز هکار نشان می‌دهد.

متغیرها	هیجان‌پذیری		گوشه گیری		وسواس		پارانویید		افسردگی		پر خاشاگری		بیقراری		اجتماعی		تعلیلات ضد		
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
شاخص آماری گروهها	۳/۴۹	۲/۰۲	۵/۲۲	۲/۶۲	۴/۲۰	۱/۸۱	۶/۲۴	۳/۹۷	۶/۲۸	۲/۷۶	۲/۳۲	۱/۳۵	۲/۲۶	۲/۸۹	۰/۹۵	۱/۸۲	۲/۷۷	۱/۰۴	۲/۷۷
عادی	۳/۴۹	۲/۰۲	۵/۲۲	۲/۶۲	۴/۲۰	۱/۸۱	۶/۲۴	۳/۹۷	۶/۲۸	۲/۷۶	۲/۳۲	۱/۳۵	۲/۲۶	۲/۸۹	۰/۹۵	۱/۸۲	۲/۷۷	۱/۰۴	۲/۷۷
بز هکار	۷/۵۷	۱/۷۴	۷/۵۵	۲/۴۴	۶/۲۱	۱/۷۹	۹/۰۷	۱/۶۲	۸/۸۶	۲/۶۴	۵/۳۸	۱/۳	۲/۷	۰/۹۳	۲/۷۷	۱/۰۴	۲/۷۷	۱/۰۴	۲/۷۷

¹ Minnesota's manual Personality Inventory

مقایسه ویژگیهای شخصیتی نوجوانان عادی و بزهاکار...

فرضیه ۱: بین ویژگیهای شخصیتی نوجوانان عادی و بزهاکار تفاوت وجود دارد. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تفاوت بین ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان عادی و بزهاکار از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. ($P < .1$). مقایسه میانگین گروه‌ها نشان می‌دهد که افراد بزهاکار از لحاظ متغیرهای هشت‌گانه ویژگیهای شخصیتی و دورث نمرات بالاتری کسب می‌کنند و بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ۱-۱: بین نوجوانان عادی و بزهاکار از لحاظ میزان هیجان‌پذیری تفاوت وجود دارد.

همانطور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، تفاوت بین میزان هیجان‌پذیری نوجوانان عادی و بزهاکار از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. مقایسه میانگین‌های گروه‌ها نشان می‌دهد که نوجوانان بزهاکار در مقیاس هیجان‌پذیری نسبت به نوجوانان عادی نمره‌های بالاتری کسب کرده‌اند، بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

فرضیه ۱-۲: بین نوجوانان عادی و بزهاکار از لحاظ میزان گوشه‌گیری تفاوت وجود دارد.

همانگونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، تفاوت بین میزان گوشه‌گیری نوجوانان عادی و بزهاکار از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. مقایسه میانگین‌ها نشان‌دهنده تمایل بیشتر به گوشه‌گیری در نوجوانان بزهاکار نسبت به نوجوانان عادی می‌باشد.

فرضیه ۱-۳: بین نوجوانان عادی و بزهاکار از لحاظ میزان وسواس تفاوت وجود دارد. همانگونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود تفاوت بین نمره‌های وسواس نوجوانان عادی و بزهاکار در سطح آماری ($P < .1$) معنی‌دار می‌باشد. به

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

عبارتی، نتایج نشان داد که نوجوانان بزهدار از میزان وسواس بیشتری نسبت به نوجوانان عادی برخوردار می‌باشند.

جدول ۳: نتایج آزمونهای t مربوط به گروه‌ها از لحاظ وسواس، افکار پارانوئید و افسردگی

افسردگی			افکار پارانوئید			وسواس			متغیرها
تست	درجه آزادی	میانگین	تست	درجه آزادی	میانگین	تست	درجه آزادی	میانگین	شاخصهای آماری گروهها
۵/۸۶	۱۳۸	۲/۷۶	۶/۲۸	۶/۲۹	۲/۹۷	۶/۲۴	۷/۱۸	۴/۲۰	عادی
p<٪۱		۲/۶۴	۸/۸۶	p<٪۱	۲/۶۱	۹/۰۷	p<٪۱	۱/۷۹	بزهکار

فرضیه ۱-۴: بین نوجوانان عادی و بزهدار از لحاظ افکار پارانوئیدی تفاوت وجود دارد. با توجه به جدول ۳ ملاحظه می‌شود که تفاوت بین افکار پارانوئیدی نوجوانان عادی و بزهدار در سطح آماری معنی‌دار می‌باشد. مقایسه میانگین‌های دو گروه نشان می‌دهد تمایل به افکار پارانوئید در نوجوانان بزهدار نسبت به نوجوانان عادی بیشتر می‌باشد، بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌گردد.

فرضیه ۱-۵: بین نوجوانان عادی و بزهدار از لحاظ میزان افسردگی تفاوت وجود دارد. با توجه به جدول ۳ ملاحظه می‌گردد که تفاوت بین میزان افسردگی دو گروه عادی و بزهدار در سطح (P<٪۱) معنی‌دار می‌باشد به عبارتی، مقایسه میانگین‌های گروه‌ها نشان می‌دهد که نوجوانان بزهدار نسبت به نوجوانان عادی از افسردگی بیشتری رنج می‌برند. بنابراین فرضیه پژوهشی فوق تأیید می‌گردد.

فرضیه ۱-۶: بین نوجوانان عادی و بزهدار از لحاظ میزان پرخاشگری تفاوت وجود دارد.

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود بین نوجوانان عادی و بزهدار از لحاظ میزان پرخاشگری تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که در سطح (P<٪۱) معنی‌دار می‌باشد. مقایسه میانگین‌های دو گروه نشان‌دهنده سطوح بالاتر

مقایسه ویژگیهای شفصیتی نوجوانان عادی و بزهار...
 ...

پرخاشگری در نوجوانان بزهار نسبت به نوجوانان عادی می باشد. بنابراین فرضیه پژوهشی تأیید می شود.

جدول ۴ نتایج آزمون t مربوط به دو گروه عادی بزهار از لحاظ پرخاشگری، بیقراری و تمایلات ضد اجتماعی

تمایلات ضد اجتماعی			بیقراری			پرخاشگری			متغیرها شاخصهای آماري گروهها
تست	درجه آزادی	میانگین	تست	درجه آزادی	میانگین	تست	درجه آزادی	میانگین	
۱۰/۷۰	۱۴۸	۱/۸۲	۲/۲۰	۱۴۸	۲/۸۹	۱۵/۳	۱۴۸	۲/۳۲	عادی
p<۰/۱	۱۴۸	۱/۸۲	p<۰/۵	۱۴۸	۲/۸۹	p<۰/۱	۱۴۸	۲/۳۲	بزهار

فرضیه ۱-۷: بین نوجوانان عادی و بزهار از لحاظ میزان بیقراری تفاوت وجود دارد. با توجه به جدول شماره ۴ ملاحظه می شود که تفاوت بین میزان بیقراری در نوجوانان عادی و بزهار از لحاظ آماری معنی دار می باشد. (P<۰/۵). مقایسه میانگینهای دو گروه نشان می دهد که نوجوانان بزهار ناآرام و بی قرارتر از نوجوانان عادی می باشند، بنابراین، با توجه به این یافته فرضیه پژوهشی فوق تأیید می شود.

فرضیه ۱-۸: بین نوجوانان عادی و بزهار را از نظر میزان تمایلات ضد اجتماعی تفاوت وجود دارد.

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود بین نوجوانان عادی و بزهار از نظر میزان تمایلات ضد اجتماعی تفاوت وجود دارد که در سطح آماری (P<۰/۱) معنی دار می باشد. مقایسه میانگینهای گروهها نشان داده است که تمایل به ضد اجتماعی بودن در نوجوانان بزهار به مراتب بیشتر از نوجوانان عادی است. این یافته نیز به تأیید فرضیه پژوهشی منجر شده است.

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

به منظور تعیین معنی‌دار بودن اختلاف بین متغیرهای آزمایشی در نمونه‌های عادی و بزهار از تحلیل واریانس یک عاملی با طرح اندازه‌گیری مکرر (مدل مانووا) استفاده شده است.

جدول ۵: خلاصه تحلیل واریانس یک عاملی با طرح اندازه‌گیری مکرر برای افراد بزهار

F	میانگین مجذورات M S	مجموع مجذورات SS	درجه آزادی DF	منابع تغییر
	۸/۰۷۵	۵۷۹/۴۲	۷۲	بین آزمودنیها BS
	۷/۲۷۸	۳۷۱۹	۵۱۱	درون آزمودنیها WS
۱۵۴/۳۷	۳۶۲/۳۱	۲۵۳۶/۲۰	۷	عمل آزمایشی tre
(P<٪۱)	۲/۳۴۷	۱۱۸۲/۸	۵۰۴	باقی مانده R
		۴۲۹۸/۴۲	۵۸۲	کل T

با توجه به جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود، چون F تغییر بدست آمده یعنی ۱۵۴/۳۷، از مقدار بحرانی آن با درجات آزادی مورد نظر بزرگتر است فرض H_0 رد می‌شود و چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین متغیرهای آزمایشی هشتگانه در افراد بزهار اختلاف معنی‌داری از نظر آماری وجود دارد. ($P < 0.01$)

همچنین با توجه به جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود چون F به دست آمده یعنی (۹۲/۸۰) از مقدار بحرانی آن با درجات آزادی مورد نظر بزرگتر است، فرض H_0 مبنی بر عدم اختلاف بین متغیرهای آزمایشی رد می‌گردد و اینگونه استنباط می‌شود که بین متغیرهای آزمایشی مورد نظر در افراد سالم نیز اختلاف معنی‌دار آماری وجود دارد. ($P < 0.01$).

جدول ۶: خلاصه تحلیل واریانس یک عاملی با طرح اندازه‌گیری مکرر برای افراد عادی

F	میانگین مجدورات ms	مجموع مجدورات SS	درجه آزادی df	منابع تغییر
	۸۳/۶۳	۶۰۲۱/۲۲	۷۲	بین آزمودنیها BS
	۱۹/۵	۳۰۲۱/۲۵	۵۱۱	درون آزمودنیها WS
۹۲/۸۰	۲۴۳/۱۳	۱۷۰۱/۸۶	۷	عمل آزمایشی tre
p<۰/۰۰۱	۲/۶۲	۱۳۱۹/۴۰	۵۰۴	باقی مانده R
		۴۳۵۷/۵۳	۵۸۳	کل T

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مقایسه ویژگیهای شخصیتی نوجوانان عادی و بزهاکار بر روی نوجوانان عادی و بزهاکار (۱۸-۱۲ ساله) شهرستان اهواز اجرا شده است. تحلیل آزمون t گروه‌های مستقل فرضیه‌های پژوهش را تأیید نمود و به طور کلی نشان داد که بین نوجوانان عادی و بزهاکار از لحاظ میزان هیجان‌پذیری، گوشه‌گیری، وسواس، افکار پارانوئید، افسردگی، پرخاشگری، بیقراری و تمایلات ضداجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

مشاهده میانگین گروه‌ها از لحاظ متغیرهای مورد نظر نشان می‌دهد که افراد بزهاکار از لحاظ ویژگیهای شخصیتی هشتگانه‌ای که ذکر شد، نمرات بالاتری نسبت به گروه عادی کسب کرده‌اند. نتایج این پژوهش همسو با نتایج تحقیقات دیگران، برای مثال، حسین‌آبادی، ۱۳۷۷؛ احدی و محسنی، ۱۳۷۲؛ فارینگتون، ۱۹۷۳ و گزارش اداره بهداشت مدارس، ۱۳۶۲؛ حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های مورد مطالعه از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی هشتگانه می‌باشد.

تبیین نتایج این پژوهش بر اساس ترتیب ارائه و تأیید فرضیه‌های پژوهشی

امکان‌پذیر می‌باشد.

تبیین احتمالی رابطه هیجان‌پذیری و بزهکاری را می‌توان اینگونه بیان نمود: آیسنک معتقد است که احتمال بروز رفتارهای مجرمانه در فرد هیجان‌پذیر بیش از شخصی است که نمرات پایینی در این بعد بدست می‌آورد، چرا که هیجان‌پذیری می‌تواند همانند یک کشاننده فرد را به انجام رفتارهای عادی خود وا دارد. به عبارت دیگر، در شرایط هیجانی شدید، یک شخص در برابر عاداتهای بد و خوب خود، آسیب‌پذیرتر می‌شود و اگر عاداتهای ضدا اجتماعی در وی ایجاد شده باشند در شرایط هیجانی، تمایل وی به انجام آنها بیشتر خواهد شد و نوروزگرایی، مبادرت به این اعمال را تشدید خواهد کرد (آیسنک، ۱۹۸۳؛ به نقل از دادستان، ۱۳۸۲). افراد بزهکار از منابع لذت‌چندانی برخوردار نیستند. آنان بیشتر اوقات به دلیل نداشتن مشغولیت و رسیدگی دایماً به دنبال «ایجاد دردسرند» و ناچارند مسأله‌ای برای سرگرمی خود درست کنند که به صورت اعمال غیرمعارف متجلی می‌شود. (رمضان‌زاده، ۱۳۷۵).

در تبیین رابطه گوشه‌گیری و بزهکاری می‌توان گفت: گوشه‌گیری در برگیرنده، مفهوم تنهایی است. تنهایی به مفهوم در هم شکستن پیوندهای عاطفی و ارتباطی با دیگران، جامعه و اطرافیان است. کسانی که در تنهایی مدام به سر می‌برند، از تجربیات اجتماعی مناسب محروم مانده و در برخوردهای اجتماعی درست عمل نمی‌کنند.

در زمینه میل اجباری و اضطرابی یا وسواس عملی باید گفت، رفتاری که شخص مرتکب می‌شود و انگیزه آن فقط برکناری اضطراب یا گناهکاری و مجرمیت است، چنانچه این رفتار وقوع نیابد اضطراب و احساس گناهکاری در او فزونی می‌یابد، این عمل مشخص‌کننده بیماری عصبی وسواس است. بنابراین چنین وسواسی: تمایل مبرم، مداوم، مزاحم و ناخوانده برای انجام دادن عملی است که با شعور روشن شخص مغایرت داشته و در حقیقت برای افکار و تمایلات پنهانی و غیرقابل قبول حکم‌جانشین دفاعی دارد و چنانچه این عمل ناگهانی

صورت نپذیرد، تشویش و اضطراب در شخص شدت می‌یابد. چون عمل اجباری صورت پذیرد موجب کاهش اضطراب می‌شود، بنابراین به مثابه عامل تقویتی خواهد شد که منجر به دوام همیشگی آن خواهد شد.

در تبیین افکار پارانوئید و بزهاکاری می‌توان گفت که بیماری فوق موجب واکنشهایی گوناگون از «مرافعه دوستی» تا آدم‌کشی می‌شود. بیمار می‌پندارد که دیگران بر علیه او توطئه کرده‌اند. بر این اساس با آنها در مقام مبارزه برمی‌آید. آنها نیز بر اثر آزرده‌گی متقابلاً در مقام مبارزه برمی‌آیند و در نتیجه بیمار در این پندار راسختر می‌شود که دیگران دشمن او هستند.

در برقراری ارتباط بین افسردگی و جرم شایان ذکر است که «افسردگی» و قطب مخالف آن یعنی مانیا هر دو یک واحد بیماری را تشکیل می‌دهند، هیجان و خوشحالی، فعالیت زیاد فرد مانیک فراری است از رنج جانگذار افسردگی. نیروی روانی بیمار درد و سوی مخالف هم عمل می‌کنند؛ درحالت افسردگی توجه این نیرو از بیرون به درون است، ولی در واکنش مانیا به این نیرو جهت می‌دهد و بیمار را به شدت به طرف واقعیت‌های بیرونی متوجه می‌سازد تا شاید بتواند واقعیات درونی را انکار کند.

مالیخولیا در آغاز شدت خود بصورت پرخاشگری بروز می‌کنند. بیمار متناوباً تحریک و یا دچار افسردگی می‌گردد. در مراحل تحریک آمادگی زیادی برای عصیان و یاغی‌گری دارد و در این صورت جرایمی چون اعمال خشونت‌آمیز، اهانت، ضرب و جرح و هتک حرمت از او سر می‌زند. (کی‌نیا، ۱۳۷۴). فروید و پیروانش معتقدند که در همه انسانها پرخاشجویی وجود دارد ولی غالباً به مثابه آتش زیر خاکستر است. یعنی پرخاشجویی در آنان بصورت «بالقوه» وجود دارد و نه تنها در آینده وجود خواهد داشت، بلکه شرایط وجود آن در آینده در زمان حاضر فراهم شده است و در صورت وجود شرایط مناسب

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

بالفعل می‌گردد. پرخاشجویی اگر در شرایط عادی و مناسب فعلیت یابد بصورت طبیعی و ضروری امکان اولیه خود ظاهر گردد و در این صورت مفید و سازنده است و هدفش تسلط بر مشکلات زندگی و ترقی است، ولی اگر در شرایط بیمارگونه و غیرعادی نیازهای زیستی ظاهر شود مضر و زیان بخش است. بعنوان مثال، تظاهرات پرخاشجویی در این امکان ثانوی طمع، حسد، منازعات و کشتار است. (کی‌نیا، ۱۳۷۶)

اندرستندیون یک ماده شیمیایی است که احتمالاً در تعیین جنسیت نقش دارد. تحقیقات نشان داده است که سطح بالای اندرستندیون در نوجوانان مذکر با رفتارهای مشکل‌زای متعددی همراه است، از قبیل دروغ‌گویی، عدم اطاعت، میل به انفجار، غیبت پشت‌سر والدین یا معلمین و صحبت و خشم و نگرش حاکی از سلطه‌گیری بر والدین. (فرانکن، ۱۹۹۹)

کنراد لورنتس نیز پرخاشجویی را جزء طبیعت آدمی می‌داند و معتقد است خشونت به طور مداوم و خود جوش در مغز انسان بوجود می‌آید و اگر گریز گاهی نداشته باشد، انباشته می‌شود. مردم نمی‌توانند مدت زیادی از پرخاشجویی خودداری کنند زیرا آنقدر نیروی خشونت انباشته می‌شود که ناچار باید تخلیه گردد. بنابراین، تخلیه خشونت ممکن است متوجه بیرون شده و به صورت تعرض و تهاجم جلوه نماید. (کی‌نیا، ۱۳۷۶).

شاید توجیه ارتباط بین بی‌قراری و بزهکاری بر اساس حالت‌های مانی امکان‌پذیر باشد. افراد مبتلا به این اختلال دارای خلق بالا، انبساط یافته و یا تحریک‌پذیر هستند. این انبساط خاطر معمولاً با تحریک‌پذیری شدید و سرخوشی افراطی با هم می‌آمیزد و موجب می‌شود افراد مانیایی دیگران را کند رفتار و کسانی که به نحو احمقانه‌ای لذت دیگران را به هم می‌زنند نگریسته و به آنها با دید خصمانه‌ای نگاه کند. خلق انبساط یافته معمولاً با بی‌قراری و افزایش فعالیت‌های بدنی، اجتماعی، شغلی و غالباً جنسی همراه است. معمولاً نسبت به

نیازهای دیگران بی تفاوت بوده و غالباً در اماکن عمومی سر و صدا ایجاد کرده و باعث دردسر دیگران می‌شوند. (آزاد، ۱۳۷۹).

در تبیین تمایلات ضد اجتماعی و جرم عده‌ای از دانشمندان بوجود امواج نابهنجار الکتریکی مغز در پسیکوپاتها تأکید دارند که رفتار سازشی و اصول اخلاقی افراد بیمار را از نظارت دقیق و بازدارنده بر کنار می‌دارد آمارهای بدست آمده طبق نظر این دانشمندان بین ۴۰ تا ۸۰ درصد در نوسان بوده است.

عده‌ای دیگر آنرا مولد عوامل اجتماعی می‌دانند و این عوامل را در جونا مملوب عاطفی خانواده جستجو کرده‌اند و نقش ارتباط نامطلوب فرزند با والدین، پرورش غلط، اغماض بیش از حد والدین (که به کودک به گونه‌ای بی حساب اجازه می‌دهند برحسب تمایلات خودکامه زندگی کنند و هر تجاوزی را مجاز شمارد)، طردشدگی، بی‌الگویی، وضع نامطلوب اقتصاد خانواده، همنشینان، مهاجرت خانواده و بدآموزیهای وسایل ارتباط جمعی را بسیار مؤثر دانسته‌اند.

البته پسیکوپات دیوانه نیست، چون از هوش سرشاری برخوردار است و در تشخیص موقعیت خود و درک خیر و شر و تمییز خوب و بد و اصول موازین اجتماعی آشنا و تواناست فقط کمبود عاطفه و نداشتن ایمان به خوبی و بدی امور یا فقدان همانندسازی مناسب او را به سوی جرم می‌کشاند و در اثر عوامل درونی مقاومت‌ناپذیر دست به جنایت می‌زنند. (کی‌نیا، ۱۳۷۶)

مسأله بزهکاری نوجوانان یک مشکل واقعی در جامعه ماست. قطع نظر از این که میزان و شدت بزهکاری هر روز بیشتر شود و یا بدون تغییر بماند، باید برای از بین بردن شرایط و موقعیتهای جرم‌زا، در حد امکان چاره‌ای اندیشید. به بیان دیگر، بزهکاری امروز نوجوانان می‌تواند عامل جرایم فردای بزرگسالان باشد، مگر آنکه برای پیشگیری و جلوگیری از آن اقدام جدی به عمل آید. با توجه

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

به نتایج پژوهش به منظور پیشگیری و یا درمان این بیماری اجتماعی پیشنهاداتی به شرح زیر عنوان می‌شود:

- ۱- ایجاد تدارکات تربیتی و آموزش رسمی و نیز غیررسمی در رابطه با محیط‌های خانوادگی و زندگی نوجوانان می‌تواند در پیشگیری از بزهکاری و حتی کمک به نوجوانان پریشان احوال مفید واقع شود.
- ۲- نظارت و کنترل دقیق‌تر در مدارس از طریق نقش فعالتر و ارتباط نزدیکتر معلمان با نوجوانان.
- ۳- ایجاد مراکز فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی سالم برای نوجوانان و ترغیب آنان به شرکت در این مراکز.
- ۴- برخوردهای جدی‌تر کادر قضایی و انتظامی با جرایم بزرگسالان.
- ۵- در کمک به بزهکاران برای ایجاد تصویر مثبتی از خویش آنان را غریبه و جدای از سایر افراد ندانند. فرد بزهکار نیز انسانی است که دارای احساسات و عواطف می‌باشد.
- ۶- محل نگهداری افراد دارای جرایم خفیف‌تر و افراد با جرایم شدید مجزا باشد، زیرا مجرمان خفیف می‌توانند از دیگر مجرمان راه‌های دیگر جرم و جنایت را یاد بگیرند.
- ۷- ایجاد تسهیلات در مراکز مشاوره، زندانها و کانونهای اصلاح و تربیت جهش پذیرش دوستانه و درمان بازپروری بزهکاران.
- ۸- به منظور پیشگیری از عود مجدد رفتارهای ضد اجتماعی می‌توان زمینه‌هایی را برای کسب اشتغال پس از آزادی از کانون یا زندان فراهم کرد.
- ۹- پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی به مقایسه خصوصیات اخلاقی مورد نظر پژوهش حاضر در بین نوجوانان عادی و بزهکار دختر نیز پرداخته شود.

کتابنامه

- ابوالقاسمی، عباس، نریمانی، محمد (۱۳۸۵). آزمونهای روانشناختی. چاپ اول. اردبیل. انتشارات باغ رضوان.
- آزاد، حسین (۱۳۷۸). آسیب‌پذیری روانی. تهران. انتشارات بعثت.
- احدی، حسن، محسنی، نیکچهر (۱۳۷۲). روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی). تهران. انتشارات بنیاد.
- احمدی، احمد (۱۳۷۵). روانشناسی نوجوانان و جوانان. تهران. انتشارات مشعل.
- احمدی، حبیب (۱۳۷۷). نظریه‌های انحرافات اجتماعی. تهران. انتشارات زر.
- پلاچیک، روبرت (۱۹۳۳). هیجانهای (حقایق، نظریه‌ها و یک مدل جدید) ترجمه: محمود رمضان زاده (۱۳۷۵) انتشارات آستان قدس رضوی
- دادستان پریخ (۱۳۸۲). روانشناسی جنایی. تهران. انتشارات سمت
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۳). بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران. انتشارات ژوبین.
- طهماسبی، حشمت (۱۳۷۷). مجله اصلاح و تربیت. انتشارات آموزش و پرورش. شماره ۱۴
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۴). روانشناسی جنایی. جلد دوم. انتشارات رشد.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۶). روانشناسی جنایی. جلد دوم. انتشارات رشد.
- نصری، عبدالله (۱۳۶۱). مبانی انسان‌شناسی در قرآن. انتشارات بنیاد. چاپ اول.
- نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۰). رفتارهای بهنجار کودکان و نوجوانان. تهران. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- Franken, R (1998). Human motivation, fourth Edition. Students compared on a verbal aggression construct, british journal of psychology. pp: 681-702
- Gluek and Gluek, E.T. (1990). unraveling juvenile delinquency